

ORIGINAL ARTICLE

Analyzing the Colonial Discourse in the Collection of Stories 'Gharibeha va Pesarak Bomi' and Its Impact on the Environment Based on Foucault's Concept of Power

Fatemeh Hayatdavoudi¹, Asad Abshirini², Mohammad Reza Salehi Mazandarani³, Manouchehr Jokar⁴

1. Ph.D in Persian Language and literature Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

3. Associate Professor of Persian Language and Literature Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

4. Associate Professor of Persian Language and Literature Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Correspondence:

Fatemeh Hayatdavoudi

Email: f-hayatdavoodi@stu.scu.ac.ir

Received: 10/Jan/2024

Accepted: 16/Apr/2024

How to cite:

Hayatdavoudi, F., Abshirini, A., Salehi Mazandarani, M.R., & Jokar, M. (2024). Analyzing the Colonial Discourse in the Collection of Stories 'Gharibeha va Pesarak Bomi' and Its Impact on the Environment Based on Foucault's Concept of Power. *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 13(1), 103-117. (DOI: [10.30473/EE.2024.69078.2671](https://doi.org/10.30473/EE.2024.69078.2671))

ABSTRACT

Ecological criticism examines the relationship between man and his environment; a relationship that has undergone transformations throughout history. One of the causes of such a transformation is the discourse of colonialism, which is prominent in the collection of stories "Gharibeha va Pesarak Bomi." In this research, we have analyzed the impact of colonial discourse on the environment in the collection of stories "Gharibeha va Pesarak Bomi" by Ahmed Mahmoud to take a small step toward raising awareness in dealing with the environment. Therefore, using a descriptive-analytical method with an interdisciplinary approach, and according to Foucault, in this collection of stories, instead of focusing on the sources of power, we have examined its consequences in order to investigate the destructive effects of colonial discourse on the natural and human environment. This vision is necessary for our human society, which has suffered from environmental crises, to become aware of the appropriate behavior toward the environment. The results of this research on the collection of stories "Gharibeha va Pesarak Bomi" indicate that the discourse of colonization has turned the environment into a subject subjugated to power and distanced it from its object. By moving nature away from its position as an object, it has caused pollution, which has led to problems for human life. In fact, man and the environment have been vehicles for exercising the power of colonial discourse, which is evident in categories such as air and water pollution, disturbance of ecological balance, lack of rainfall, cutting down of palm trees, soil erosion, separation of man from nature, loss of peace from people's lives, noise and visual pollution, poverty, unemployment, migration, creation of tension and conflicts between people, disregard for national and epic foundations, creation of class gaps, and reduced life expectancy. In short, society, economy, and ecology in this collection of stories, influenced by colonial discourse, have been ineffective measures for sustainable development because they have not moved in alignment with it; rather, they have been in opposition to it.

KEYWORDS

Discourse Analysis, Colonialism, Environment, Gharibeha Va Pesarak Bomi, Ahmad Mahmoud.



آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۴۰۳ (۱۱۷-۱۰۳)

DOI: [10.30473/EE.2024.69078.2671](https://doi.org/10.30473/EE.2024.69078.2671)

«مقاله پژوهشی»

تحلیل گفتمان استعمار در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی و تأثیر آن بر محیط‌زیست بر اساس مفهوم قدرت در اندیشه فوکو

فاطمه حیات‌داوودی^۱، اسد آبشیرینی^۲، محمدرضا صالحی مازندرانی^۳، منوچهر جوکار^۴

چکیده

نقد بوم‌گرا به بررسی رابطه انسان با محیط‌زیستش می‌پردازد؛ رابطه‌ای که در طول تاریخ دچار دگرگونی‌هایی شده است که یکی از علل چنین دگرگونی‌ای گفتمان استعمار بوده که در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی نیز نمود بارزی دارد. در این پژوهش به تحلیلی از تأثیر گفتمان استعمار بر محیط‌زیست در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد محمود پرداخته شده است تا در دادن آگاهی به انسان‌ها در رفتار با محیط‌زیست گامی هرچند اندک برداشته باشد. از این‌رو به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای، بر اساس گفته فوکو در این مجموعه داستانی به‌جای سرچشمه‌های قدرت به پیامدهای آن پرداخته شده است تا تأثیرات مخرب گفتمان استعمار را بر محیط طبیعی و انسانی بررسی کند؛ زیرا چنین دیدی است که برای جامعه انسانی ما که دچار بحران‌های زیست‌محیطی شده، در راستای آگاهی در رفتار مناسب با محیط‌زیست ضروری می‌نماید. نتایج پژوهش در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی حاکی از این است که گفتمان استعمار محیط‌زیست را به سوژه‌ای مقهور قدرت تبدیل کرده و آن را از ابژگی خود دور ساخته و با دور شدن طبیعت از جایگاه ابژگی‌اش آلودگی‌هایی را رقم‌زده که معضلاتی را برای زندگی انسان به همراه داشته است. در واقع انسان و محیط‌زیست محملی برای اعمال قدرت گفتمان استعماری بوده است که ما نمود آن را در مقولاتی چون آلودگی آب‌وهوا، بر هم زدن تعادل زیست‌محیطی، کمبود بارش، قطع درختان نخل، فرسایش خاک، جدایی انسان از طبیعت، دور شدن آرامش از زندگی انسان‌ها، آلودگی صوتی و تصویری، فقر، بیکاری، مهاجرت، ایجاد تنش و منازعات میان افراد، نادیده گرفتن بنیان‌های ملی و حماسی، ایجاد فاصله طبقاتی و کاهش امید به زندگی می‌بینیم. در کل جامعه، اقتصاد و اکولوژی در این مجموعه داستانی به تأثیرپذیری از گفتمان استعمار معیاری ناکارآمد برای توسعه پایدار بوده‌اند؛ چون همگام با آن حرکت نکرده‌اند؛ بلکه در تقابل با آن بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان، استعمار، محیط‌زیست، غریبه‌ها و پسرک بومی، احمد محمود.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز. ایران
۲. استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز. ایران.
۳. دانشیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز. ایران.
۴. دانشیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز. ایران.

نویسنده مسئول:

فاطمه حیات‌داوودی

رایانامه: f-hayatdavoodi@stu.scu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

استناد به این مقاله:

حیات‌داوودی، فاطمه، آبشیرینی، اسد. صالحی مازندرانی، محمدرضا و جوکار، منوچهر. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان استعمار در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی و تأثیر آن بر محیط‌زیست بر اساس مفهوم قدرت در اندیشه فوکو، فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۱۳(۱)، ۱۰۳-۱۱۷.

(DOI: [10.30473/EE.2024.69078.2671](https://doi.org/10.30473/EE.2024.69078.2671))



مقدمه

ابژه‌ساز او برای صور معرفت است. (Ibid) صور عقلانیتی ابزاری که ما نمود آن را در ارتباط دانش و علوم تجربی می‌بینیم؛ دانشی که مجزا از قدرت نیست؛ قدرتی که توجه به پیامدهای آن از اصول اساسی اندیشه فوکو است که در زیر به بررسی پیامدهای این قدرت بر محیط‌زیست طبیعی و انسانی که گفتمان استعماری باعث اعمال آن شده است، در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود پرداخته شده است.

پژوهش‌هایی با استفاده از رویکردهای زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر گسترش بسیار یافته است. نمونه‌هایی از پژوهش‌ها را می‌توان در مقالاتی که در این زمینه انجام شده، دید. از مقاله‌هایی که جا دارد در اینجا از آن‌ها نام ببریم، یکی مقاله‌ی «سه‌گونگی اقلیمی؛ طرحی نو در داستان‌نویسی اقلیمی جنوب» از رضا صادقی شهپر^۲ (2018) است. وی در این پژوهش نشان داده است که سه گونه‌ی اقلیمی با ویژگی‌های خاص و متمایز در داستان‌های جنوبی وجود دارد که عبارت‌اند از: اقلیم کارگری- صنعتی، اقلیم دریایی، اقلیم روستایی. دیگری مقاله‌ی «نقد و تحلیل بوم‌گرایی رمان کلیدر با نگاهی به هویت اکولوژیکی شخصیت‌ها در تأثیرپذیری از گفتمان قدرت» از حسن‌زاده نیری و حیات‌داوودی (2022) است. نویسندگان در این پژوهش دغدغه‌های زیست‌محیطی شخصیت‌های رمان کلیدر دولت‌آبادی را در ارتباط با طبیعت تحلیل کرده و به این نتایج دست‌یافته‌اند که گفتمان استبدادی قدرت باعث شکل‌گیری حقیقتی برساخته در شخصیت‌های رمان کلیدر و شی‌شدگی آنان گردیده و آن‌ها را از هویت اکولوژیکی و حقیقت درونی‌شان که در ارتباط با طبیعت ساخته شده، دور کرده و استقلال و عقلانیت فردمینایانه را از آنان گرفته است. مقاله دیگر «نقد و تحلیل بوم‌گرایی داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور با نگاهی به گفتمان قدرت» از آبشیرینی، صالحی‌مازندرانی، جوکار و حیات‌داوودی (2021) است. نویسندگان در این پژوهش روابط شخصیت‌های داستان را با محیط‌زیست بررسی کرده‌اند تا نشان دهند که بر پایه‌ی اندیشه‌های فوکو، چگونه روابط قدرت در سطوح گوناگون این داستان مؤثر بوده است. در این نوشتار هدف این بوده که رابطه‌ی انسان با محیط‌زیست و تأثیرگذاری گفتمان‌های مختلف که نقش مؤثری در اعمال قدرت دارند، بررسی شود تا زمینه‌ساز آگاهی‌بخشیدن به انسان در رفتارشان با محیط‌زیست

در آثار بسیاری از نویسندگان معاصر ما مبارزه با استعمار که «بر اساس تعریف واژه‌نامه‌ی انگلیسی کالینز، رویه و کنش یک قدرت برای تداوم تسلط بر مناطق یا مردمی ضعیف‌تر است» (Azodanlu, 2021). از همان سال‌هایی که کشورمان موردتجاوز غربی‌ها قرار گرفت، نمود یافت. ایران از جمله کشورهایی بود که در همان اولین سال‌های آغاز جنگ جهانی دوم به اشغال استعمارگران درآمد و به دلیل سابقه فرهنگی و تمدن کهنی که داشت، نمی‌توانست به‌آسانی اشغال وطن توسط استعمار را قبول کند. گفتمان استعمار با اعمال قدرت علاوه بر این‌که باعث شکل‌گیری مقاومت در جامعه ایرانی که در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی نیز نمود بارزی دارد، شد، پیامدهایی را نیز برای محیط‌زیست طبیعی رقم زد. درواقع تولید مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی مقاومتی در برابر گفتمان استعمار است؛ گفتمان استعماری که معضل‌های زیست‌محیطی‌ای را رقم‌زده است؛ البته این معضلات زیست‌محیطی در عصر حاضر تا جایی پیش رفته که زندگی انسانی را با بحران روبه‌رو کرده است. از این‌روست که هر ساله اجلاس‌هایی در راستای تلاش برای ایمن‌سازی محیط‌زیست در مقیاس جهانی به تأثیرپذیری از گفتمان امنیت محیط‌زیست برگزار می‌شود تا راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران‌های زیست‌محیطی که زندگی بر کره زمین را به مخاطره افکنده است، اندیشیده شود؛ مثلاً یکی از این مقولات، نگرانی درباره‌ی تغییرات آب و هوایی است که علاوه بر ایجاد گروه بین‌دولتی تغییرات آب و هوایی^۱ (IPCC) و امضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در ریو در سال ۱۹۹۲، اعمال سیاست‌های محیط‌زیستی را هرچند روند توسعه برخی کشورها را تهدید می‌کند، ضروری می‌داند. از آنجاکه معضلات زیست‌محیطی در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی ناشی از اعمال قدرت حاصل از گفتمان استعمار است، ما نیز به بررسی پیامدهای چنین گفتمانی خواهیم پرداخت؛ زیرا همان‌طور که فوکو نیز می‌گوید «به‌جای بررسی سرچشمه‌های قدرت باید به پیامدهای آن توجه کرد» (Foucault, 2008)؛ زیرا «هدف تحلیل فوکو باز یافتن و نجات معرفت دربند است نه برساختن دستگاهی از نظریه‌ی نظام‌آفرین» (Smart, 2006)؛ درواقع «برنامه فوکو تحلیل صور عقلانیت و شرایط تاریخی مکنون سوژه‌ی انسانی و

باشد و نسبت او را با طبیعت آشکار نماید. مقاله‌ی دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی سبک آسمان آبی دز و پسرک بومی بر اساس فرآیندهای تجربی با نگاهی بر عناصر محلی» از حیدری (2021) است. وی در این پژوهش نشان داده که احمد محمود از کارکرد ارجاعی زبان و فرآیندهای اندیشگانی بر اساس دستور نقش‌گرای هالیدی برای نزدیک شدن به زندگی روزمره استفاده کرده است. شهبازی، تدینی، منصوری و پاکدل نیز در مقاله «بررسی آثار زیست‌محیطی صنعت نفت در استان‌های جنوب ایران بر اساس نقد بوم‌گرایانه» (2021) نشان داده‌اند که طبیعت در این آثار، تنها مکان رویداد حوادث تلقی نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان زمینه‌ی اصلی داستان‌ها، خود عامل پیشبرد حوادث است و به‌طور مستقیم بر شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده تاکنون پژوهشی درباره‌ی تحلیل گفتمان استعمار در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی و تأثیر آن بر محیط‌زیست بر اساس مفهوم قدرت در اندیشه فوکو صورت نگرفته است و تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده در این است که پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی متن ادبی با محیط فیزیکی از منظر گفتمان قدرت فوکو پرداخته تا نشان دهد که در گفتمان استعمار نه تنها انسان‌ها بلکه محیط‌زیست نیز به سوژه‌هایی مقهور قدرت تبدیل می‌شوند که پیامدهای مخربی برای زندگی زیستی و انسانی دارند.

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای پژوهش کیفی و توصیفی- تحلیلی است که روشی کارآمد برای تحلیل متون ادبی برای درک بهتر موضوع در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. از این رو ابتدا مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد محمود مطالعه گردید و سپس با رویکردی گفتمان‌محور از مطالعات اسنادی برای بررسی پیشینه‌ی پژوهش و مبانی نظری آن استفاده شد و با تحقیق در متون و خواندن کتاب‌ها و مقالات، مطالب مربوط فیش‌برداری و نمونه‌ها استخراج و تحلیل گردید. بدین ترتیب ضمن توصیف گفتمان قدرت از دیدگاه فوکو به تحلیل وجوه مختلف جنبه‌ی زیست‌محیطی مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی پرداخته شد و در انتها با دسته‌بندی فیش‌ها و اطلاعات ثبت‌شده و از طریق توصیف، تحلیل و استنتاج، نتایج به‌دست‌آمده تبیین گردید.

نخستین بار اصطلاح نقد بوم‌گرا در اواخر دهه ۱۹۷۰ در

گردهمایی ولا مطرح شد که تاریخچه‌ی کاربرد آن را نخستین بار به ویلیام روکرت در مقاله «ادبیات و بوم‌شناسی: آزمایشی در نقد بوم‌گرا» و کارل کروئبر منتقد بوم‌گرای آمریکایی در مقاله-ی «خانه‌ای در گراسمر: تقدس بوم‌شناختی» نسبت داده‌اند. البته نقد بوم‌گرا ریشه در اندیشه روکرت «کاربرد بوم‌شناسی و مفاهیم بوم‌شناسی در مطالعه ادبیات» (Glotfelty & fromm, 1996) دارد. بنیان‌گذار این نوع نقد را در آمریکا چریل گلاتفلتی دانسته‌اند؛ کسی که در واقع این نوع نقد را احیا کرد. در کل نقد بوم‌گرا، آن‌گونه که امروزه دیده می‌شود، موقعیت ادبی خود را مرهون کسانی است که آثاری درباره‌ی طبیعت منتشر کرده‌اند. از جمله توجه «به طبیعت‌نویسی توسط رمانتیک‌های انگلیسی مانند ویلیام وردزورث و ساموئل تیلور کولریج و ماورایی‌گرایان آمریکایی مانند رالف والدو امرسون و هنری دیوید ثورو و پیروان آن‌ها» (Egan, 2006) در نقد بوم‌گرا ارتباط دوسویه‌ی فرهنگ و طبیعت در آثار ادبی بررسی می‌شود: «نقد بوم‌گرا ارتباط متقابل بین طبیعت و فرهنگ، به‌ویژه مصنوعات فرهنگی زبان و ادبیات را موضوع خود قرار می‌دهد. به‌عنوان یک موضع انتقادی، یک پای‌اش در ادبیات است و پای دیگرش در زمین. به‌عنوان یک گفتمان نظری، بین انسان و غیرانسان مذاکره می‌کند.» (Glotfelty & fromm, 1996) نقد بوم‌گرا در عمل و کاربرد گسترده است و خود یک زیست‌کره محسوب می‌شود که نیازمند آشنایی با علوم زیادی است. نقد بوم‌گرا «عموماً از مجموعه‌ای اصلی از مفروضات پیروی می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها این ایده است که هر متن ادبی دارای پیامدهای بوم‌شناختی در رابطه با تعامل انسان با طبیعت است؛ حتی متونی که در نگاه اول به نظر می‌رسد از جهان غیرانسانی غافل هستند.» (Valls Oyarzun et al., 2020) یکی از عوامل تأثیرگذار در نوع تعامل انسان با طبیعت گفتمان‌هایی است که ما را احاطه کرده‌اند و با اعمال قدرت رفتار ما را با محیط‌زیست شکل می‌دهند. یکی از اندیشمندانی که در حیطه گفتمان قدرت نظریاتی ارائه کرده فوکو است. کسی که کاربرد اندیشه‌هایش در معضلات زیست-محیطی ما را به نتایج سودمندی می‌رساند.

فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» در تحلیل وضع علوم انسانی، آن را به سه دوره‌ی «نوزایی»، «کلاسیک» و «تجدد» تقسیم می‌کند که در این تقسیم‌بندی نگاه انسان به طبیعت و جهان بیرون در هر دوره متفاوت است: در دنیای نوزایی نظم موجود میان هستی، نظمی برآمده از مشابَهت است. جهان عصر کلاسیک جهان تفاوت‌هاست. در عصر تجدّد اندیشه و تفکر

یافته‌های پژوهش

با توجه به تقسیم‌بندی فوکو از علوم انسانی در ادوار تاریخی مختلف که در بخش روش‌شناسی پژوهش به آن پرداخته‌ایم و به سه دوره‌ی رنسانس، کلاسیک و مدرن تقسیم می‌شود، مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود در دوره‌ی مدرن قرار می‌گیرد که هر دوره صورت‌بندی دانایی یا ایستمه خاص خود را دارد. با تحلیل فوکویی از نسبت دانش و قدرت در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی، هژمونی حقیقت در عصر محمدرضا پهلوی آشکار می‌شود؛ زیرا دانش از طریق کردارهای گفتمانی به شکل‌گیری رفتار خاصی منجر شده است؛ یعنی در اینجا تولید دانش و معنا از طریق گفتمان بوده است که یکی از دغدغه‌های فوکو نیز در آثارش است. از این‌رو می‌توان گفت از دیدگاه فوکو حقیقت نه تنها پدیده‌ای خارج از قدرت نیست؛ بلکه از طریق تولید حقیقت و از درون حقیقت عمل می‌کند. در واقع می‌توان گفت گزاره‌های گفتمان استعماری باعث شده که احمد محمود درباره‌ی موضوعی خاص در لحظه‌ی تاریخی خاص سخن بگوید و دانش مربوط به آن گفتمان را بازنمایی کند. همان‌طور که فوکو می‌گوید: «قدرت و دانش مستقیماً متضمن یکدیگرند؛ هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش مربوطه وجود ندارد و هیچ دانشی هم نیست که ضمناً متضمن و موجد روابط قدرت نباشد.» (Foucault, 1979) در واقع گفتمان‌ها در اعمال قدرت نقش مؤثری دارند. گفتمان استعمار در اعمال قدرت در جامعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی نمود بارزی دارد:

«ما اگه نون نداریم بخوریم / - اگه جا نداریم زندگی کنیم / - اگه گشنه و بیکاریم / - همه زیر سر فرنگیاست / - فرنگیای لعنتی / - فرنگیای لعنتی / - فرنگیای لعنتی / که دیواره‌های محله‌ی ظلم‌آباد در برابر جماعت آبی‌پوش مقاومت کرد و موجی فشرده و کف کرده از انبوه آدم‌ها جدا شد و از کنار حفار به عقب نشست و راند به طرف بوارده و... / - فرنگیا... / - تمام بدبختی‌ها / - تمام دربردی.» (Mahmoud, 1975).

اگر به مثال بالا دقت کنیم می‌بینیم که گفتمان استعماری حاکم بر جامعه داستانی با اعمال قدرت توسط فرنگیا گرسنگی و بیکاری افراد جامعه داستانی را رقم‌زده و باعث ایجاد مقاومت‌هایی در آنان گردیده است. البته دیدگاهی دوگانه نیز نسبت به استعمار در این مجموعه داستانی در میان شخصیت‌های داستان دیده می‌شود که اشاره به لایه‌های پنهان استعمار دارد که با خوب جلوه دادن خود ثروت یک مملکت را به غارت می‌برند:

خصلت و وجود آینه‌ای خود را از دست می‌دهد و در میان موجوداتی که ذهن از این‌پس باید تصویری از آن فراهم آورد، موجودی دیگر که جز خود ذهن نیست، ظاهر می‌گردد. (ر. ک. Kachuyan, 2003) از این‌رو دید انسان به محیط اطراف خود در عصر نوزایی دیدی قدسی و الهی است و در عصر کلاسیک انسان محور و ذهنی و در عصر تجدّد انسان محور و فزادگی است؛ یعنی در عصر تجدّد این قدرت خاص گفتمان است که در کنش‌های ذهنی افراد و شکل‌گیری رفتارهای خاصی در آنان نمود می‌یابد. در واقع در اندیشه فوکو گفتمان و پیامدهای واقعی حاصل از آن نقش مهمی در اعمال قدرت دارند. دو نکته‌ی اساسی درباره‌ی چگونگی اعمال قدرت در اندیشه فوکو یکی گفتمان است که قلمرو اعمال قدرت را از دیرباز محدود ساخته و دیگری پیامدهای واقعی است که در سایه این‌گونه اعمال قدرت ایجاد و منتشر می‌شود. از این‌رو درک مفهوم قدرت در اندیشه فوکو مستلزم درک مفهوم گفتمان است؛ زیرا «روابط چندگانه‌ی قدرت بدن اجتماعی را درمی‌نوردد و آن را ترسیم و تأسیس می‌کند؛ این روابط چندگانه‌ی قدرت به یک گفتمان حقیقت متصل‌اند و بدون تولید، انباشت، گردش و به کار افتادن یک گفتمان حقیقی نه استقرار می‌یابند و نه عمل می‌کنند.» (Foucault, 2011: b) از نظر فوکو قدرت در همه‌ی روابط انسانی قابل‌مشاهده است. «قدرت همه‌جا هست، نه به این معنا که قدرت همه را در برمی‌گیرد، بلکه به این معنا که قدرت از همه‌جا می‌آید.» (Foucault, 2011: a)، قدرتی که «پیکره اجتماعی را تأسیس و در رگ و ریشه‌ی آن نفوذ می‌کند» (Smart, 2006) و سوژه و ابژه را شکل می‌دهد. (Behyan, 2010) اصطلاح گفتمان در آثار و اندیشه فوکو گاه برای بیان روندهای منظم و قانونمند به‌کاربرده شده است؛ یعنی «قانون‌ها و ساختارهای نانوخته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی را پدید می‌آورند. در نظر فوکو مجموعه ساختارها و قوانینی از این‌دست یک گفتمان را شکل خواهد داد و آنچه فوکو بیش از همه به آن علاقه نشان می‌دهد، همین قوانین است نه گفته‌ها و متن‌ها.» (Mills, 2018) با نظر به اهمیت و تأثیر گفتمان‌ها در تولید متن ادبی، در این بخش ما به بررسی رابطه‌ی انسان با محیط‌زیست و تأثیر‌گذاری گفتمان‌ها که نقش مؤثری در اعمال قدرت دارند، در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد محمود پرداخته‌ایم تا گامی هرچند اندک در زمینه آگاهی-بخشیدن به انسان در رفتارش با محیط‌زیست برداشته باشیم و نسبت او را با طبیعت آشکار نماییم.

حیاط و می‌راند تا لب گودال خانه که آن روز مخمل قصبیلی علف‌هاش زیر لگد مفتش‌ها پامال شده بود.» (Mahmoud, 1975)

درواقع همان‌طور که فوکو می‌گوید، گفتمان‌ها مولد قدرت-اند و باعث شکل‌گیری رفتارهای خاصی در افراد می‌شوند و نکته مهم در اندیشه فوکو توجه کردن به این سرچشمه‌های قدرت نیست؛ بلکه پیامدهای آن است که رکن اصلی است. در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود گفتمان استعمار باعث شکل‌گیری تغییراتی در محیط طبیعی، مصنوعی و اجتماعی شده است که می‌توان آن را به‌عنوان هستی‌ساختاریافته در نقطه‌ی خاصی از تاریخ دید که بخشی از فرآیند توسعه ناپایدار بوده است؛ زیرا همان‌طور که در زیر، بخش پیامدهای انسانی و زیست‌محیطی نیز می‌بینیم، توسعه بدون توجه به مقوله‌ی پایداری و همچنین تاب‌آوری این منطقه به کار گرفته شده است؛ زیرا اصطلاح «پایداری» که در کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ در برونتلند با عنوان «آینده مشترک ما» مطرح شد، پایداری را «به‌عنوان توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود تعریف می‌شود.» (Gaard, 2017) در صورتی که ما در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی توسعه‌ای را می‌بینیم که نه تنها نیازهای حال این جامعه را برآورده نکرده است؛ بلکه محیط‌زیست آن را نیز به خطر انداخته است که ما به نمونه‌ای از آن در زیر اشاره می‌کنیم:

«آسمان دز- شب که از نیمه می‌گذشت- صاف بود، شفاف بود، با هزاران و هزاران و هزاران ستاره درخشان، انگار حریر سورمه‌ای روشنی که پولک‌دوزی شده باشد و حالا بالای سر علیرضا همه مه بود و ابرهای عقیم و بره‌بره بود که هوا را سنگین می‌کرد و بوی گاز نفت بود، همراه با رطوبت آلوده به شوری دریا و نجوای شاخه‌های تو درهم نخل‌ها که از پیش روی خانه‌شان تا حدود ماسه‌های کنار بهمن شیر پیش رانده بودند.» (Mahmoud, 1975)

اگر به مه و ابرهای عقیم و بره‌بره، سنگینی هوا، بوی گاز نفت همراه با رطوبت آلوده به شوری دریا و نجوای شاخه‌های تو درهم نخل‌ها توجه کنیم به آنتروپی حاکم بر زیست‌بوم طبیعی جامعه داستانی پی می‌بریم؛ آنتروپی‌ای که باعث ایجاد کنش‌هایی در شخصیت‌های داستان شده است. در کل در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود میزان عاملیت افراد این جامعه داستانی بستگی به فشارهایی دارد که

«- آخه آرزو هم‌ه‌اش می‌گه تقصیر این فرنگی‌اس که ما گشته‌ایم و خونه و زندگی درست و حسابی نداریم./ -تقصیر فرنگی‌اس؟/ -آره دیگه/ -به اونا چی؟/ صدای جاشوی سیه- چرده‌ای که تن لختش را رو لبه‌ی جهاز انداخته بود، همراه باد آمد/ -وهو... بچه‌ها.../ که باقی حرفش همراه باد رفت و به عمق نخلستان نشست. سوری نگاهش را از جهاز گرفت و گفت/ -اتفاقاً اونا دارن برا ما زحمت می‌کشن/ شهرو کنجکاو شد/ -زحمت می‌کشن؟/ -آره دیگه/ -اینو کی گفته/ -باغبون/ -باغبون؟/ -می‌گه وقتی که ماشین نبوده اونا با هزار زحمت و مرارت و خون جیگر، لوله‌ها را بار قاطر می‌کردن و از کوه و کمر بالا می‌رفتند که برن نفتون و چاه بزین، حالا اینه که گردن ما حق دارن/ شهرو گفت/ -باغبون عقلش رو...» (Ibid)

درگیری کارگران و فرنگی‌ها در این مجموعه داستانی نگاه ضد استعماری کارگران را نسبت به فرنگیان و درواقع مقاومت آن‌ها را در برابر گفتمان استعمار نشان می‌دهد؛ زیرا همان‌طور که فوکو می‌گوید: «آن‌جا که قدرت است، مقاومت هم در کار است.» (Mills, 2018) فرنگیان در این مجموعه داستانی کسانی هستند که در این مملکت در ناز و نعمت زندگی می‌کنند؛ اما مردم خود این منطقه در فقر و بدبختی و گرسنگی به سر می‌برند. درواقع در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی ما سایه‌ی نیروی استعمار و قحطی و نبود امکانات غذایی را در بین مردم به‌وضوح می‌بینیم. در کل بسیاری از رمان‌های معاصر ما گنجینه‌ی مهم تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی محسوب می‌شود که ما می‌توانیم در بعضی از آن‌ها فراز و نشیب‌های تاریخی و بحران‌هایی را که نسل‌های مختلف انسانی از آن عبور کرده‌اند، ببینیم. گفتمان استعمار در تولید مجموعه غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود نقش بسزایی داشته است. گفتمان استعمار چون در تقابل با گفتمان حاکم بر جامعه ایرانی بوده، تأثیرات نامطلوب زیست‌محیطی و انسانی را به همراه داشته است. ما با تحلیل گفتمانی این مجموعه داستانی می‌توانیم به واکاوی مولدهای قدرت که به تأثیرپذیری از گفتمان‌ها بوده‌اند، پی ببریم؛ گفتمان استعماری‌ای که باعث خلق ابژه‌هایی از جمله فقر، تغییرات اقلیمی و نابودی طبیعت جنوب، مهاجرت، گرسنگی و تنش‌های اجتماعی گردیده است که ما در زیر به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم که با از بین بردن نخلستان، دکل‌های نفت سربرافراشته‌اند:

«شاخه‌های آب را که مثل پنجه‌های دراز رودخانه دویده بودند توی گیسوی نخلستان، پرکرده بودند و ظهر که می‌شد سایه دکل فولادی می‌شکست روی چینه خانه ما و می‌افتاد تو

پژوهش این بوده که به بررسی بحران‌های زیست‌محیطی و انسانی در مجموعه داستانی *غریبه‌ها* و *پسرک بومی* از احمد محمود که گفتمان استعماری در ایجاد آن‌ها نقش بسزایی داشته است و باعث شده که امنیت ملی کشور به خطر بیفتد، بپردازیم تا راهکارهایی برای برون‌رفت از این بحران ارائه دهیم. تغییرات اقلیمی در مجموعه داستانی *غریبه‌ها* و *پسرک بومی* باعث ایجاد ناهنجاری‌هایی از جمله فقر، مهاجرت، خشکسالی، ایجاد منازعه میان افراد و ... شده است که منشأ آن را می‌توان استفاده بی‌رویه از صنعت در بهره‌برداری از زمین دانست که ریشه در اعمال قدرت از طریق گفتمان استعمار دارد. اعمال قدرتی که می‌توان آن را در نگاه تک‌بعدی به توسعه و صنعت که باعث ایجاد مشکلاتی برای جامعه زیستی و انسانی گردیده است، به‌وضوح دید. درواقع گفتمان استعمار مولد قدرت بوده که علاوه بر شکل‌گیری رفتار افراد، بر محیط‌زیست طبیعی نیز اثر گذاشته است که یکی از مؤلفه‌های آن تغییر در الگوهای آب و هوایی است که علاوه بر افزایش دما و کاهش بارندگی معضلات زیست‌محیطی و مخاطراتی را نیز برای جامعه انسانی و نسل‌های آینده رقم زده است که ما در زیر به بررسی آن در مجموعه داستانی *غریبه‌ها* و *پسرک بومی* از احمد محمود پرداخته‌ایم:

– پیامدهای زیست‌محیطی

جهان فناوری و توسعه، امروزه با چالش و تنگناهای جدی روبرو است و سلامت و حیات بشر و سایر موجودات را در کره زمین به دلیل نابودی تدریجی محیط‌زیست به خطر افکنده است؛ زیرا توسعه بدون توجه به محدودیت‌های اکولوژیکی یک منطقه بوده و همین محدودیت‌های اکولوژیکی است که «روشن می‌کند که رشد اقتصادی به علت برداشت‌های بی‌وقفه منابع باعث ویرانی منابع حیاتی و گسترش آثار تخریب بر محیط‌زیست خواهد شد» (Lulan, 1994) که این برداشت‌های بی‌وقفه از منابع برای رسیدن به رشد اقتصادی که ما نمود آن را در مجموعه داستانی *غریبه‌ها* و *پسرک بومی* احمد محمود به‌وضوح می‌بینیم، به تأثیرپذیری از گفتمان استعمار بوده است؛ مثلاً آنجا که دولت‌های استعماری به استخراج نفت می‌پرداخته‌اند و باعث آلودگی آب‌وهوا و همچنین برهم زدن تعادل زیست‌محیطی گردیده‌اند که در زیر از این سه نوع آلودگی مواردی ذکر می‌شود:

■ آلودگی آب در اثر مواد نفتی:

«مد که می‌شد و آب می‌افتاد تو شاخه‌های نخلستان، سطح

ساختارهایی چون فقر، بیکاری، خشکسالی و نابودی طبیعت بر آن‌ها وارد می‌کند. این ساختارها توسط گفتمان استعمار شکل‌گرفته که مقاومتی را نیز شکل داده که باعث شکل‌گیری رفتارهای خاصی شده که ما آن را در مهاجرت این افراد و تنش‌هایی که در اثر بیکاری ایجاد می‌شود، می‌بینیم:

«فرنگی چاق، زیر طاق‌نماها، تو شیشه‌ی شفاف جعبه‌ی عکاسی تصویر چند تا از کارگران را میزان می‌کرد که به دنبال کامیون‌ها کشیده شده بودند و حالا خودشان را جمع‌وجور می‌کردند و برمی‌خاستند که بروند به طرف بیل‌هایشان که کنار جاده افتاده بود.» (Ibid)

یعنی درواقع افراد در این داستان محملی برای اجرای قدرت بوده‌اند. البته در تکمیل نظریه‌ی فوکو باید گفت که نه‌تنها افراد محملی برای اجرای قدرت‌اند؛ بلکه محیط‌زیست طبیعی نیز محملی برای اجرای قدرت بوده است؛ یعنی قدرت‌ها نه‌تنها بر افراد بلکه بر محیط‌زیست نیز اعمال می‌شود و باعث تغییراتی در آن می‌شود که بحران‌های زیستی و انسانی را رقم می‌زند که ما در زیر به آن خواهیم پرداخت:

پیامدهای اختلال در محیط‌زیست در دهه‌های اخیر زندگی زیستی و انسانی را به ورطه‌ی نابودی کشانده و علاوه بر معضلات زیست‌محیطی: فرسایش خاک، کاهش تنوع زیستی، آلودگی آب، خاک، هوا و غیره، مشکلات انسانی از جمله فقر، مهاجرت، گرسنگی، ناامنی و برهم خوردن تعادل زندگی اجتماعی را در برداشته است. از این‌روست که در دنیای معاصر برای حل این بحران‌ها راهکارهایی جهت توسعه پایدار و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی مطرح می‌شود تا بتواند تبعات بد ناشی از دخالت انسان در طبیعت را تا حدودی جبران کند؛ زیرا اختلال در امنیت محیط‌زیست تهدیدی نسبت به نظم و ثبات جهانی تلقی شده و امنیت ملی و بین‌المللی را نیز به مخاطره می‌افکند که یکی از نمودهای آن را می‌توان در بی-خانمانی و جابه‌جایی مردم که سایر مناطق و کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، دید. از این‌روست که کمیسیون‌ها و تعهدات بین‌المللی در مواجهه با تغییرات اقلیمی مطرح می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه که به‌عنوان کمیسیون بروتلند شناخته می‌شود (۱۹۸۳)، تأسیس هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPPC) در سال ۱۹۸۸ و ... است. در کل در راستای حل بحران تغییرات آب و هوایی و تأثیر آن بر زندگی زیستی و انسانی برای به حداقل رساندن عواقب چنین بحران‌هایی مسئله‌ی سازگاری، تاب‌آوری و آینده‌پژوهی در رابطه با محیط‌زیست مطرح می‌شود که هدف ما نیز در این

خشک است؛ اما قبلاً برکت داشته است، پیردازیم به تبعات ناشی از ورود صنعت بر زندگی زیست‌محیطی و انسانی که در این داستان نیز به‌وضوح بیان شده است، پی خواهیم برد. در واقع همان‌طور که فوکو مولد بودن قدرت را بیان می‌کند؛ یعنی «چیزی که رخدادها و شکل‌های جدیدی از رفتار را به بار می‌آورد.» (Mills, 2018) گفتمان استعمار نیز در این مجموعه داستانی باعث شکل‌گیری رفتارهایی چون استفاده‌ی نامحدود از منابع محدود گردیده و به سازگاری زندگی انسانی با طبیعت توجه نکرده است؛ یعنی در واقع در عصر حاضر این گفتمان‌ها هستند که رابطه‌ی سلطه‌گرانه‌ی انسان و طبیعت را شکل داده‌اند؛ رابطه‌ای که در راستای سازگاری با طبیعت و زندگی انسانی نیست؛ زیرا وی «در برابر طبیعت به‌صورت مهاجمی درآمده که دیگر نیروی خود را نمی‌شناسد. او طبیعت را آلوده می‌کند و به همان نسبت تخریب می‌نماید.» (Bounfo, 1996) ایجاد این آلودگی در داستان شهر کوچک ما از مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود به تأثیرپذیری از گفتمان استعماری با استخراج نفت، از بین رفتن پوشش گیاهی جنوب و فرسایش خاک همراه است:

«حالا ماسه‌ها نفت را مکیده بودند و زمین خشک شده بود و باد که می‌آمد، خاک زرد میدانگاهی را بالا می‌برد و پخش می‌کرد و پای دیوارها و چینه‌های گلی خاک قهوه‌ای جمع شده بود.» (Mahmoud, 1975)

از پیامدهای آسفالتهای کردن و تبدیل به شهر از بین بردن پوشش گیاهی است؛ شهری که در این مجموعه داستانی نمای زیبایی ندارد؛ زیرا «گسترش مراکز شهری موجب پیدایش عدم توازن فزاینده در طبیعت می‌شود که خطر بسیار سنگین و غیرقابل تحملی برای بشریت دارد.» (Bounfo, 1996) که در این مجموعه داستانی با توصیفات که از شهر می‌شود، نمودار است:

«پیچ دوم را که پشت سر گذاشتیم، هیولای ورم‌کرده شهر بود که زیر دود نازکی خفته بود... شهر می‌آمد و لحظه‌به‌لحظه بیشتر آماس می‌کرد. حالا نفس درختان بریده بود و نفس باد بریده بود و چشم من رو هم بود و بوی شهر تو دماغم بود و صداها آغاز شده بود... ناگهان احساس خفقان کردم. خنکی چینه‌های گلی باغستان‌ها و آرامش سبزه‌زارها رفته بود و بوی آسفالتهای می‌آمد و بازتاب آفتاب بر شیروانی‌ها و دیواره‌های سیمانی، داغی و خشونت را القا می‌کرد و ذهن را عقیم می‌ساخت.» (Mahmoud, 1975)

اگر ما در متن بالا به اصطلاحات «هیولای ورم‌کرده شهر،

آب، انگار که رنگین‌کمان بنفش می‌شد و زرد و قرمز و...» (Mahmoud, 1975)

■ آلودگی هوا در اثر دودکش‌های نفتی؛
«شعله‌های رقصنده‌ی دودکش‌های بلند کوره‌های نفت، گله به گله آسمان سیاه را رنگ خون زده بود.» (Ibid)
■ برهم خوردن تعادل زیست‌محیطی با پر کردن مسیر آب به نخلستان و قطع درختان نخل و سربرافراشتن دکل‌های نفتی؛

«شاخه‌های آب را که مثل پنجه‌های دراز رودخانه دویده بودند توی گیسوی نخلستان، پرکرده بودند و ظهر که می‌شد سایه دکل فولادی می‌شکست روی چینه خانه ما و می‌افتاد تو حیاط و می‌راند تا لب گودال خانه که آن روز مخمل قصبیلی علف‌هاش زیر لگد مفتش‌ها پامال شده بود.» (Ibid)

با توجه به موارد ذکر شده، پی می‌بریم که محیط‌زیست در گفتمان استعمار به سوژه‌ای مقهور قدرت تبدیل شده و از جایگاه ابژه‌گی خود دور گردیده است و همین دور شدن طبیعت از جایگاه ابژه‌گی خود آلودگی‌هایی را رقم‌زده که در تغییرات اقلیمی تأثیر بسزایی داشته است. تغییرات اقلیمی درست است که خود انسان مسبب آن است؛ «انسان مسبب قطع و برهم خوردن توازن حیات به علت نوع رشد صنعتی برگزیده‌ی خویش است» (Bounfo, 1996)؛ اما این گفتمان استعمار بوده که در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی چنین تغییری را رقم‌زده و باعث ایجاد مقاومت در شخصیت‌های این مجموعه داستانی در برابر چنین تغییراتی شده است. از این‌روست که در داستان‌های مجموعه غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد محمود، حسرت از دست رفتن روزهای پاک جلوه می‌نماید؛ زیرا گفتمان استعمار با اعمال قدرت روزگاری را همراه با ابرهای عقیم، بوی گاز نفت و رطوبت آلوده به شوری دریا و همچنین کمبود بارش رقم‌زده است:

«انگار که رو زمینم خاک قبرسون پاشیده بودن. خشک خشک. این یکی دو سال اخیر هم که آسمان بدجوری با ورزرگرا کج‌تابی کرد... یاد اون روزا به خیر که زمین برکت داشت، آسمون برکت داشت. تو دامنه سفیدکوه می‌شد که همه‌ی گوسفندان دنیا را چروند... اما حالا، به قدرت خدای زمین عینهو مس گذاخته و ناگهان در یک‌لحظه، خانه، زن و زمین صداشان می‌کرد. دلشان تو هم می‌ریخت، جانشان می‌لرزید و حرف‌ها، گلو، دهان و پوست لب‌ها را می‌سوزاند تا که قالب بگیرد.» (Mahmoud, 1975)

اگر ما به چرایی این مقوله که چرا امروز زمین خشک

«سازگاری» مطرح می‌شود تا بتواند اثرات بد ناشی از دخالت انسان در محیط‌زیست پیرامونش را به حداقل برساند؛ زیرا «مراقبت از محیط‌زیست بخش لازم سیاست فرهنگی است، بین حفظ محیط طبیعی و رشد کامل شخصیت انسانی پیوندهای محکمی وجود دارد.» (Toume, 2010)

– پیامدهای انسانی

تقابل صنعت و طبیعت هنگامی که در جامعه‌ای در تضاد با زندگی انسانی باشد، علاوه بر بحران‌های زیست‌محیطی، امنیت ملی را نیز به خطر می‌اندازد و آرامش را از زندگی انسانی دور می‌کند که در مجموعه داستانی *غریبه‌ها* و *پسرک بومی* از احمد محمود چنین تقابلی در اثر اعمال قدرت گفتمان استعماری است که نمود می‌یابد؛ مانند نمونه‌ی زیر از داستان شهر کوچک ما که گفتمان استعمار با اعمال قدرت از طریق ساختن سد و میدان‌های نفتی پشت خانه‌های این شهر که با قطع درختان نخل همراه بوده باعث جدایی انسان از طبیعت و سرباز کردن زخمی شده که شهر را بلعیده است:

«حالا دیوار آجری شکری رنگی، رودخانه را از ما بریده بود. زخم زردرنگ میدان نفتی پشت خانه‌های ما سرباز کرده بود و دویده بود تو کوچه‌ها و دو رشته لوله‌ی قیراندود مثل دو مار نر و ماده از حاشیه‌ی انبوه نخل‌های دوردست خزیده بود و آمده بود تو میدانگاهی و پایه‌های چوبی مالیده به نفت مثل چوبه‌های دار جابه‌جا تو خیابان بزرگ شهر کوچک ما نشسته بود و گازرک‌ها رو سیم‌ها می‌لرزیدند و دولخ که می‌شد، خاک زرد را لوله می‌کرد و به هوا می‌برد و به سر و رومان می‌ریخت و هنوز زیربنای مخزن پنجمی را بتون نریخته بودند که پیشین یک روز پاییزی آمدند و به همه پیغام دادند که عصر همان روز تو قهوه‌خانه لب شط باشند و شب که پدرم از قهوه‌خانه برگشت، لب‌ولوچه‌اش آویزان بود و به خواج توفیق که ازش پرسید، چه بود، گفت: میخوان خونه‌ها را خراب کنن... میگن برا اداره بازم زمین میخوان... و من خیال کردم که میدانگاهی جوع دارد و دهان نفتی خود را باز کرده است که ریزه‌ریزه شهر را بلعد.» (Mahmoud, 1975)

البته ساختن سد خود یکی از عواملی است که باعث بر هم خوردن تعادل کره زمین می‌شود و «سدهای ذخیره‌کننده آب، هرچقدر بزرگ‌تر و عظیم‌تر، خطرناک‌تر و در مجموع بر هم زن تعادل واقعی کره زمین است.» (Arbabi, 1994) در کل اگر ما در متن بالا در تصاویری از جمله جدا شدن رودخانه از اهالی شهر با ساختن دیوار آجری، سرباز کردن زخم زردرنگ میدان

آماس کردن شهر، بریده شدن نفس باد و درختان، آغاز شدن سداها، احساس خفقان انسان، بوی آسفالت به جای خنکی چینه‌های گلی باغستان‌ها و آرامش سبزه‌زارها، القا کردن خشونت و عقیم ساختن ذهن «دقت کنیم، متوجه بعد توسعه صنعت بدون در نظر گرفتن تعادل زیست‌محیطی و انسانی می‌شویم؛ توسعه صنعتی‌ای که به بعد «باشندگی» انسان‌ها توجه نکرده است؛ زیرا خصوصیت انسان باشنده «این است که وی دارای یک ارتباط منطقی، حقیقی و اصیل با محیط خود است... وی دارای ریشه‌های عمیق بومی، سنتی، عرفی، ملی، مذهبی، فلسفی، اخلاقی، قانونی و ... می‌باشد. از طرف دیگر این انسان دارای پیوند نزدیک با گیاه و گل و نبات و چشمه و رودخانه بوده و همچنین با تعداد معدودی از افراد مثلاً چند هزار نفر و در محیطی که کاملاً دارای تداوم محیط انسانی و غیرانسانی است، زندگی می‌کند.» (Farvardin, 1973) در کل در این مجموعه داستانی از احمد محمود اگر دقت کنیم، می‌بینیم که تقابل صنعت و طبیعت، چون در راستای سازگاری با محیط‌زیستی و انسانی نیست و به تأثیرپذیری از گفتمانی اعمال می‌شود که نگاهی تک‌بعدی به طبیعت دارد و آن‌هم بهره‌برداری از طبیعت برای رسیدن به سود بیشتر است، عواقب وخیمی را نیز به همراه دارد و علاوه بر به مخاطره افکندن زندگی زیستی، نابودی زندگی انسانی را نیز به همراه دارد که ما در مقوله‌ی پیامدهای انسانی در زیر به آن پرداخته‌ایم. در واقع در این داستان‌ها جامعه‌ای رو به صنعتی به تصویر کشیده می‌شود که «اصول اکولوژیک که قوانینی ثابت و غیرقابل نقض می‌باشند، از قوانین اقتصادی که به دست بشر تنظیم گردیده و به همین علت قابل تغییر می‌باشند، شکست‌خورده‌اند؛ اما این شکست، شکست نهایی نیست و نمی‌تواند باشد. طبیعت بالاخره جواب این همه گستاخی بشر را خواهد داد.» (Soltani, 2016) از این‌روست که اندیشمندان بیان می‌کنند که رشد صنعتی باید در توازن با محیط طبیعی باشد؛ زیرا باعث به خطر افتادن بقای انسان و نسل‌های آینده می‌گردد: «تخریب و آلودگی محیط‌زیست به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، موجب آن شد تا اندیشمندان اعتقاد پیدا کنند، اگر رشد اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست با یکدیگر سازگار نشوند، در آن صورت در آینده امکان زندگی مناسب برای بشر بر روی کره زمین متصور نخواهد شد.» (Yousefi et al., 2017) اگر کاربرد فناوری در منطقه‌ای علاوه بر توسعه، مطابق با سازگاری انسان و محیط‌زیستش به کار گرفته شود، بهتر است. از این‌روست که در عصر حاضر برای حل بحران‌های زیست‌محیطی مقوله‌ی

که به دریا می‌ریزه رو زمینا سوار می‌شد، همه‌جا بهشت می‌شد، جنگل می‌شد و اونوقت همه ما مجبور نبودیم که خونه و زندگی‌مونو رها کنیم و دربه‌در دنبال چارشای پول بی‌قابلیت، سر از جایی در بیاریم که همش خفت و خواریه...» (Mahmoud, 1975)

البته این بیکاری و مهاجرت پیامدهایی چون ایجاد تنش‌ها و منازعات میان افراد برای یافتن کار را به دنبال داشته است: «هنوز کامیون‌ها نایستاده بودند و هنوز رو نفت سیاه جاده لیز می‌خوردند که هجوم آغاز شد. تخت لاستیکی گیوه‌ها رو نفت جاده سر می‌خورد و گاه مردی با نشیمن به زمین می‌افتاد و پشت سرش تا که حساب به دستشان بیاید، چندتایی رو هم غلتیده بودند. حلقه‌ی دزفولی‌ها که در آغاز دو کامیون را دوره کرده بودند، در هم شکست، سقلمه‌ها به پهلوها نشست، مشت-ها، قفاها را کوبید و صداها و فریادها و دشنام‌ها در هم شد.» (Ibid)

اگر طبق گفته فوکو به‌جای بررسی سرچشمه‌های قدرت به پیامدهای آن توجه کنیم، متوجه می‌شویم که فقر از پیامدهای اعمال قدرت گفتمان استعمار است که ما نمود آن را در این‌که کارگران مهاجر حتی لباس‌هایشان را از روی فقر می‌فروشدند (Ibid) یا به خاطر نداشتن پول برای پرداختن اجاره‌خانه در اثر بیکاری، تنش‌هایی میان آنان و صاحب‌خانه ایجاد می‌شود (Ibid)، می‌بینیم. البته نکته‌ی مهمی که در این داستان به آن اشاره شده است، این است که انسان خود عامل گرسنگی و فقرش می‌باشد که نشانگر نقش انسان‌ها در اعمال قدرت از طریق گفتمان‌هاست؛ یعنی کنشگر این گفتمان‌ها انسان‌ها هستند و کنش‌پذیران آن‌هم انسان‌ها و هم محیط طبیعی: «خدا برا بندگانش گشنگی و نکبت و بدبختی نمی‌خواد...»

خدا عادل.» (Ibid)

همان‌طور که خداوند در سوره روم، آیه‌ی ۴۱ نیز می‌فرماید، فساد در خشکی و دریا به‌وسیله دست‌های خود انسان است که نمودار می‌شود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» در کل فقر ریشه‌ی بسیاری از معضلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره است. به‌عنوان نمونه در داستان آسمان آبی دز مردمی به تصویر کشیده می‌شوند که شب‌ها دورهم جمع می‌شوند و به شاهنامه-خوانی می‌پردازند؛ اما هنگامی که در تنگنا و سختی قرار می‌گیرند، دیگر تمایلی به شاهنامه‌خوانی ندارند و این یعنی نادیده گرفتن بنیادهای ملی و حماسی یک قوم: «طنین صلوات شکوه همیشگی را نداشت و صداها همه

نفتی، خزیدن دو رشته لوله‌ی قیراندود مثل دو مار، پایه‌های چوبی مالیده به نفت مثل چوبه‌های دار، لرزیدن گازرک‌ها رو سیم‌ها، فرسایش خاک، ناراحتی انسان‌ها از خراب کردن خانه-هایشان و جوع میدانگاهی که دهان نفتی خود را باز کرده است و ریزه‌ریزه شهر را می‌بلعد که نویسنده در متن به کار می‌برد و چرایی این تصاویر، دقت کنیم، متوجه عدم سازگاری ورود صنعت با زندگی انسانی که از نمودهای گفتمان استعماری در این مجموعه داستانی است، می‌گردیم؛ زیرا این صنعت در راستای توسعه ناپایدار و نابودی طبیعت به‌کاررفته است و تعادل زیست‌محیطی را برهم زده و آرامش را از زندگی انسان‌ها گرفته است:

«حالا تمام خیابان‌های شهر کوچک ما رنگ نفت گرفته بود. هر جا که نگاه می‌کردی، نقش آج لاستیک ماشین بود که رو خاک ورآمده آغشته به نفت خیابان وانسته بود و صبح که می‌شد با صدای تکان‌دهنده‌ی فیدوس از خواب می‌پریدیم... با غرّش جرتقیل‌ها و هژده چرخه‌ها از تو رختخواب می‌پریدیم و تازه آفتاب زده بود که می‌رفتیم و سایه دیوار می‌نشستیم و نگاه می‌کردیم که کارگران آبی‌پوش با کاسکت‌های سفید آهنی که نور خورشید را بازمی‌تافت، تو تله‌بست‌ها وول می‌خوردند.» (Mahmoud, 1975).

اگر به این متن دقت کنیم، می‌بینیم که محیط‌زیست به پدیده‌ی مقهور قدرت تبدیل شده است. درواقع در اثر اعمال چنین قدرتی گزاره‌های خاصی شکل گرفته که ما نمود آن را در ورود صنعت نفت، ساختن کارخانه‌ها در این شهر که در سازگاری با محیط نیست و همچنین ایجاد آلودگی صوتی که خود از معضلات شهری است و باعث برهم خوردن سلامت روحی و جسمی انسان‌ها می‌شود، می‌بینیم. درواقع «آلودگی صوتی ازجمله پیامدهای زیان‌بار صنعتی شدن جوامع است که سلامت روانی و آرامش روحی ساکنان شهرهای بزرگ را به هم زده و به‌نوعی ریشه‌ی بسیاری از تنش‌های اجتماعی است.» (Yousefi et al., 2017) یکی دیگر از پیامدهای انسانی گفتمان استعماری که با اعمال قدرت باعث عدم سازگاری انسان با محیط‌زیست و علاوه بر آن باعث بیکاری او شده و رفتارهای خاصی را در شخصیت‌های این مجموعه داستانی شکل داده، مهاجرت است:

«از مام زرد که بیرون زده بود، زمینش را و زنش را و بچه-هایش را به خدا سپرده بود و در طول راه تا که به کرخه برسد و تا که به کارون برسد و تا که به بهمن‌شیر برسد، چشم از زمین‌های همچون مس گذاخته نگرفته بود. آگه این‌همه آب

سبزی‌های پلاسیده، میوه‌های له‌شده و دکان‌های توسری‌خورده و برپاشده با مقوآ، با تخته و با حلبی.» (Ibid) که با نگاهی به متن بالا متوجه تبعات ناشی از عدم سازگاری صنعت و طبیعت بر ایجاد «آلودگی تصویری» که عبارت است از «وجود هر نوع اغتشاش و کیفیت بصری نامطلوب در شکل شهر» (Yousefi et al., 2017) می‌شود. آلودگی بصری‌ای که «در درازمدت انسان را دچار پریشانی ذهنی و بیماری روحی می‌کند.» (Ibid) یا تبعات ناشی از عدم سازگاری صنعت با محیط‌زیست بر قدرت خرید:

«بر انصاف صلوات، به دسته تریه‌ی بوگندو دو ریال؟! - آخه مگه چه خبره؟! - مال مفت که نیس، پول بهاش دادم و تازه با همین چن دسته سبزی، مییاس شکم چن سر عائله رو جواب بدم...» (Mahmoud, 1975)

بنابراین ما باید با رعایت اخلاق زیستی به دو وجه آن یعنی «زندگی محور و شخص‌محور» (Pourmohammadi, 2008) بودن آن توجه کرده و میان آن توازن برقرار سازیم؛ زیرا باید به جهان نه‌تنها از منظر اشخاص، بلکه باید از منظر زندگی و محیط‌زیست نیز به آن نگاه شود؛ زیرا هدف اصلی ایجاد اخلاق زیستی «شناخت و توسعه بهترین محیط‌زیست و فراهم کردن شرایط لازم برای سازگاری انسان با آن محیط به‌منظور حفظ و ارتقای جهان متمدن بود.» (Mohaghegh, 2010) همین دید باعث می‌شود که ما نگاهی سلطه‌گرانه به طبیعت نداشته باشیم؛ زیرا داشتن نگاه سلطه‌گرانه باعث بیگانگی انسان از طبیعت می‌شود و اگر «این تصرف و تسلط تماماً در جهت بی‌نیاز شدن و بیگانه شدن انسان و طبیعت» (Bazargan, 1957) باشد، پیامدهای زیان‌بار و غیرقابل جبرانی برای جامعه زیستی و انسانی رقم خواهد زد. از این‌رو انسان برای ادامه زندگی بر روی کره زمین به طبیعت وابسته است؛ زیرا طبیعت به طرق مختلف با تمام لایه‌های زندگی انسانی از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در ارتباط است و انسان جزئی از این طبیعت محسوب می‌شود. در واقع آسمان و زمین مانند پدر و مادر آدمی است که باید به آن احترام گذاشت. همان‌طور که در متون کهن ما نیز نمودار است، آسمان و زمین از قداست برخوردار بوده است؛ زیرا آدمی در این بستر است که می‌بالد و جنبه‌های شخصیتی‌اش شکل می‌گیرد. از این‌رو انسان نباید با دیدی سلطه‌گرا به طبیعت بنگرد و آن را مانند شی‌ای ببیند که باید در راستای خدمت به انسان به کار گرفته شود؛ زیرا چنین دیدی باعث بیگانگی

پست بود و خفه بود و تا ملاقباد، شاهنامه چاپ سنگی جلد چرمی را باز کند و فانوس را پیش بکشد، استاد موسم به حرف آمده بود: -ملاقباد، به گمونم که آگه امشب حرف بزینم و تکلیفمونو روشن کنیم، همچی از شاهنامه خوندن.../ و علیرضا دنبال حرف استاد موسم آمد: -آره ملاقباد... بذا برا یه دفعه هم که شده، همگی عقلامونو رو هم کنیم و ببینیم چه خاکی باید به سر کنیم/ و فولاد گفت: / آخه اول باید بتونیم زندگی کنیم و بعد...» (Ibid)

البته این فقر باعث ایجاد فاصله طبقاتی نیز می‌شود که از تبعات آن حضور سایه‌ی استعمار است که در داستان آسمان آبی دز به‌وضوح فاصله طبقاتی را میان زندگی استعمارگران و مردم عادی می‌بینیم؛ مثلاً در این داستان زندگی استعمارگران از لحاظ وضع معیشتی این‌گونه توصیف می‌شود:

«حالا لایه‌لایه بنگله‌های تخته‌ای جابه‌جا نشسته جلو اداره تا ساختمان‌های پشت اداره که تا عمق نخلستان رفته بودند، وانت فیلی‌رنگ جلو خانه‌ها می‌ایستاد و جعبه‌های لیموناد را و بسته‌های نان سفید را و قوطی‌های کنسرو و کمپوت را به خدمتکاران خانه‌ها می‌داد.» (Ibid) و زندگی مردم عادی نیز این‌گونه:

«یک جعبه مقوایی جای کنسرو فرنگی‌ها و ... هرکدامشان به درد می‌خورد. برای افراشتن سایبانی و یا سقفی که خانه‌ای باشد در حاشیه‌ی نخلستان، برای تازه از راه رسیده‌ای و دکانی باشد برای کاسب تهیدستی.» (Ibid)

اینجاست که ما می‌بینیم امنیت ملی یک کشور در سطوح مختلف آن به خطر می‌افتد و امید به زندگی در میان مردم کاهش می‌یابد:

«پاییز که تمام شد، چند روزی کار بود و زندگی مثل کرم به لجن‌نشسته‌ای تکان خورده بود و گهگاه از زیر طاق‌های کوتاه و دودزده اتاقک‌های خانه دنگال، بوی غذای گرم برخاسته بود و بعد باز کرم نیمه‌جان نگاهش را از آفتاب پریده-رنگ زمستان گرفته بود و سر را و شاخک‌ها را به لجن فروبرده بود و باز بیکاری آمده بود.» (Ibid)

در کل تقابل صنعت و طبیعت اگر در راستای سازگاری با محیط‌زیست و مردم یک ناحیه نباشد، امنیت ملی یک جامعه به خطر می‌افتد و در تمام سطوح زندگی مردم آن ناحیه تأثیرگذار است. از جمله نمای بازار:

«تا ظهر نشده کارگران دسته‌به‌دسته می‌رفتند به طرف بازارچه‌هایی که روزبه‌روز تعدادشان افزون می‌شد و انگار که اینجا و آنجا مثل قارچ از زمین می‌روئیدند. نان‌های خانگی،

محمود نیز که برگرفته از دید واقع‌بین نویسنده به محیط اطرافش در دهه‌ی چهل است، دقت کنیم، چنین دیدی نمودار است. دیدی که پیامدهای زیانباری را برای جامعه زیستی و انسانی رقم‌زده است که ما در زیر این پیامدها را که در پژوهش در دو مقوله‌ی زیست‌محیطی و انسانی به آن پرداخته‌ایم، به‌صورت نمودار نشان می‌دهیم.

انسان از طبیعت می‌شود و پیامدهای مخربی را برای جامعه انسانی به بار می‌آورد که امروزه شاهد آن هستیم؛ چیزی که فلسفه‌ی مارکس نیز اعتراضی علیه آن قلمداد می‌شود: «فلسفه‌ی مارکس همانند فلسفه‌ی وجودگرایانه، اعتراضی است به ازخودبیگانگی انسان، اعتراضی علیه فقدان فرد و علیه تبدیل شدن انسان به شیء.» (Fromm, 1994) همان‌طور که اگر در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد



شکل ۱. گفتمان استعمار در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی و تأثیر آن بر محیط‌زیست

Figure 1. The Colonial Discourse in the Story Collection 'Gharibeha va Pesarak Bomi' and Its Impact on the Environment

طبیعت را در قفس قرار دهد. سپس به نظر می‌رسد که هیچ طبیعی وجود ندارد و بشریت از طریق نبوغ محض همه‌چیز را تولید کرده است.» (Fromm, 2009)

بحث و نتیجه‌گیری

بحران‌های حاصل از تغییرات اقلیمی در عصر حاضر به‌طور چشمگیری در لایه‌های مختلف زندگی زیستی و انسانی قابل مشاهده است و تهدیدی علیه امنیت بشر محسوب می‌شود. از این‌رو باید اقداماتی عملی برای ایمن‌سازی محیط‌زیست در مقیاس جهانی برای برون‌رفت از بحران‌های زیست‌محیطی که زندگی زیستی و انسانی را بر کره زمین به مخاطره افکنده است، انجام شود. تغییرات اقلیمی در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی از احمد محمود باعث ایجاد ناهنجاری‌هایی شده است که در دو مقوله‌ی پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی بررسی شد که منشأ آن را می‌توان گفتمان استعماری دانست که با اعمال قدرت، مقاومت‌هایی را در افراد شکل داده و تأثیراتی را بر محیط‌زیست گذاشته است که ما نمود آن را در آلودگی آب‌وهوا، بر هم زدن تعادل زیست‌محیطی، کمبود بارش، قطع درختان نخل، فرسایش خاک، جدایی انسان از طبیعت، دور شدن آرامش از زندگی انسان‌ها، آلودگی صوتی و تصویری، فقر، بیکاری، مهاجرت، ایجاد تنش و منازعات میان افراد، نادیده گرفتن بنیان‌های ملی و حماسی، ایجاد فاصله طبقاتی و کاهش امید به زندگی می‌بینیم. از این‌رو ما باید برای حل بحران‌های زیست‌محیطی به گفتمان‌های عصر که با اعمال قدرت باعث عدم سازگاری انسان با محیط‌زیستش شده و نوع پیامدهایی که رقم زده، توجه کنیم تا بتوانیم اثرات بد ناشی از دخالت انسان در محیط‌زیست پیرامونش را به حداقل برسانیم؛ زیرا بین حفظ محیط طبیعی و تداوم جوامع انسانی پیوندهای محکمی وجود دارد. درواقع صنعت باید در راستای توسعه پایدار یک جامعه به کار گرفته شود؛ زیرا اگر در راستای توسعه ناپایدار و نابودی طبیعت به کار رود، تعادل زیست-محیطی را برهم زده و آرامش را از زندگی انسان‌ها می‌گیرد. از این‌رو توجه به نوعی اخلاق زیستی ضروری می‌نماید که در آن به دو وجه زندگی محور و شخص محور بودن آن توجه کرده و میان آن توازن برقرار سازیم؛ زیرا باید به جهان نه تنها از منظر اشخاص، بلکه باید از منظر زندگی و محیط‌زیست نیز نگاه شود. همین دید باعث می‌شود که ما نگاهی سلطه‌گرانه به طبیعت نداشته باشیم؛ زیرا داشتن نگاه سلطه‌گرانه باعث بیگانگی انسان از طبیعت می‌شود و پیامدهای زیان‌بار و

با نگاهی به نمودار بالا متوجه می‌شویم، جامعه‌ای که در این داستان به تصویر کشیده شده است، دارای پیامدهای مخرب زیستی و انسانی است و درواقع جامعه‌ای با توسعه پایدار نیست؛ زیرا گفتمان استعمار با اعمال قدرت نگاهی تک‌بعدی به طبیعت را برای بهره‌برداری بیشتر از آن به کار برده است. در این داستان ما می‌بینیم که چگونه ثروت و فناوری کشورهای جهان اول از طریق استخراج استعمارگرانه‌ی نیروی کار، محیط‌زیست و دیگر منابع طبیعی از کشورهای جهان سوم تأمین می‌شود و توسعه پایدار تحقق نمی‌یابد؛ زیرا توسعه در راستای نهادهای اقتصادی بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های تجاری که همگی به نفع کشورهای توسعه‌یافته است، تنزل یافته. درواقع پایداری در حد یک اصطلاح گسترش یافته که در عمل در ایجاد تغییر معنادار در رفتار انسان با طبیعت شکست خورده است؛ زیرا «توسعه پایدار به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعت می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و تنها فرآیند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود.» (Saberifar, 2007) درحالی‌که ما با بررسی مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی می‌بینیم که محیط‌زیست تخریب می‌شود و کیفیت زندگی انسان‌ها نیز بهبود نمی‌یابد؛ زیرا توسعه در راستای رفاه زندگی انسانی و سازگاری آن با محیط و توجه به مقوله‌ی تاب‌آوری به کار گرفته نشده است؛ درواقع «زندگی شهری و تولید صنعتی، افراد را از گذشته‌ی بلافصل و اتکالی آنان به محیط طبیعی جدا کرده است.» (Saten, 2014) زیرا در گذشته بشر هیچ تسلطی بر طبیعت نداشته و با دیدی تقدسی به آن می‌نگریسته و از این محیط محدود نیز استفاده محدودی داشته است؛ درصورتی‌که امروزه چنین نیست و استفاده از طبیعت در میان ملل برای توسعه بیشتر بوده است. ما با نگاهی به محیط اطرافمان به این مقوله پی می‌بریم که مواد اولیه‌ی هر چیزی که در اطراف ماست از طبیعت است. از ماشین‌آلات گرفته تا مصالح ساختمانی و مواد غذایی و ... اما آیا بشر در عصر حاضر با بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت، تخریب آن را رقم زده و نه تنها طبیعت، بلکه خود را نیز در تنگنا قرار نداده است؟ از این‌رو هارولد فروم در «از تعالی تا منسوخ شدن» می‌گوید: «در روزهای اولیه، بشر هیچ قدرتی بر طبیعت نداشت و در عوض برای تسلی خاطر به ذهن و خدایان خود روی آورد. در همین حال، این ذهن یک فناوری را تولید می‌کند که جسم او را قادر می‌سازد تا مانند خدایان قوی باشد و خدایان را زائد کرده و

آن را از ابژه‌گی خود دور ساخته است و همین دور شدن طبیعت از جایگاه ابژه‌گی خود آلودگی‌هایی را رقم‌زده که معضلاتی را برای زندگی انسان به همراه داشته است. از این رو با چنین بررسی‌هایی است که ما به اهمیت این نظریه‌ی فوکو پی می‌بریم که گفته است به‌جای سرچشمه‌های قدرت باید به پیامدهای آن توجه کنیم؛ زیرا چنین دیدی است که برای جامعه انسانی ما که دچار بحران‌های زیست‌محیطی شده است، در راستای آگاهی در رفتار مناسب با محیط‌زیست ضروری می‌نماید.

غیرقابل جبرانی برای جامعه زیستی و انسانی رقم خواهد زد. همان‌طور که در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی احمد محمود نیز که برگرفته از دید واقع‌بین نویسنده به محیط اطرافش در دهه چهل می‌باشد، نمودار است.

در کل با توصیفاتی که از مردم جامعه، وضعیت اقتصادی آن‌ها و محیط‌زیست در مجموعه داستانی غریبه‌ها و پسرک بومی می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که جامعه، اقتصاد و اکولوژی چون به تأثیرپذیری از گفتمان استعمار بوده و به‌عنوان معیاری ناکارآمد برای توسعه پایدار عمل کرده؛ نه تنها انسان‌ها بلکه محیط‌زیست را نیز به سوزهای مقهور قدرت تبدیل کرده و

References

- Holy Quran
Arbabi, Gh. (1994). *The End of the World*, Tehran: Arbabi Cultural Group Publications. [In Persian].
- Azodanlu, H. (2021). *From colonialism to colonial discourse (a window to postcolonial literature and theories)*, Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
- Bazargan, M. (1957). *Monotheism, Nature, Evolution*, Tehran: Qalam. [In Persian].
- Behyan, Sh. (2010). "Michel Foucault's methodology", *Social Sciences*, 4(8), 1-21. SID. <https://sid.ir/paper/201857/fa>. [In Persian].
- Bounfo, E. (1996). *Reconciliation of Man and Nature*, translated by Salahoddin Mahalati, Tehran: University Press. [In Persian].
- Egan, G. (2006). *Green Shakespeare From Ecopolitics to Ecocriticism*, London and New York, Routledge is an imprint of the Taylor & Francis Group.
- Fromm, H. (2009). *The Nature of Being Human From Environmentalism to Consciousness*, United States of America: The Johns Hopkins University Press.
- Fromm, E. (1994). *Man from Marx's point of view*, translated by Mohammad Rahrahkshian, Hamburg: Sonboleh Publications. [In Persian].
- Farvardin, P. (1973). *Man between himself and others*, Azarbayejan: Bahman printing house. [In Persian].
- Foucault, M. (1979). *Discipline and punish: the birth of the prison*. New York: vintage books.
- Foucault, M. (2008). *knowledge and power*, translated by Mohammad Zeymaran, Tehran: Hermes, 4th edition. [In Persian].
- Foucault, M. (2011a). *The Will to Know*, translators: Niku Sarkhosh, Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, 6th edition. [In Persian].
- Foucault, M. (2011b). *Society must be defended: lectures of College de France 1975-1976*, translated by Reza Najafzadeh, Tehran: Rukhdad No. [In Persian].
- Gard, G. (2017). *Critical Ecofeminism*, London: Published by Lexington Books.
- Glotfelty, Ch & Fromm, H. (1996). *The Ecocriticism Reader/ Landmarks In Literary Ecology*, Athens and London: The University of Georgia press.
- Kachuyan, H. (2003). *Foucault and Paleontology of Knowledge*, Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Lulan, E. (1994). *The Third World and the Environmental Crisis*, translated by Manouchehr Firouz Asgari, Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian].
- Mohaghegh Damad, S.M., Sashadina, A. & Abbasi, M. (2010). *Introduction to Bioethics*, Tehran: Sina Legal Cultural Institute, Second Edition. [In Persian].
- Mahmoud, A. (1975). *Gharibeha va Pesarak Bomi*, Tehran: Amirkabir, Second Edition. [In Persian].
- Mills, S. (2018). *Michel Foucault*, translated by Morteza Nouri, Tehran: Center, 4th edition. [In Persian].
- Pourmohammadi, A. (2008). *Philosophical Foundations of Bioethics*, Tehran: Sina Cultural and Legal Institute. [In Persian].

- Saberifar, R. (2007). "Sustainable Urban Development". *Peyk Noor - Human Sciences*, 5(2) (Special Geography), 108-115. SID. <https://sid.ir/paper/128462/fa>. [In Persian].
- Smart, B. (2006). Michel Foucault, translators: Leyla Joafshani, Hassan Chavoshian, Tehran: Akhtaran. [In Persian].
- Soltani, K. (2016). An introduction to environmental knowledge, Tehran: publications of the Environmental Protection Organization. [In Persian].
- Saten, Ph.W(2014), An Introduction to Environmental Sociology, translated by Sadegh Salehi, Tehran: Samt, second edition, [In Persian].
- Toumeh, G(2010), cultural development and environment, translated by Mahmoud Sharepour, Tehran: Baz, [In Persian].
- Yousefi, H; Mirzaei, M; Nouri, G; Zandi, Y(2017), environment and human health, Tehran: Talab, [In Persian].
- Valls Oyarzun, E., Gualberto Valverde, R., García, N. M., Jiménez, M. C. & Sánchez, R. C. (2020). *Avenging Nature: The Role of Nature in Modern and Contemporary Art and Literature*, London: Lexington Books.